

بررسی رأی دیوان دائمی داوری فیما بین چین و فیلیپین در پرونده دریای چین جنوبی

سید محمدحسین میرزاده^۱

چکیده

در سال ۲۰۱۶ میلادی دیوان دائمی داوری در رابطه با مناقشه دریای چین جنوبی که میان دولت‌های فیلیپین و چین رخ داده بود رأی صادر نمود که به موجب آن دولت چین ملزم به پذیرش قصور در اجرای تعهدات بین‌المللی خود در ارتباط با دولت فیلیپین گردید. دیوان مزبور پس از بررسی‌های مبتنی بر مواد مندرج در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، بنا داشت مناقشات سرزمینی حادث شده میان دو دولت را راجع به دریای چین جنوبی خاتمه دهد. رأی صادره، که بخش اصلی آن غیرقابل پذیرش بودن اتکای چین بر مستندات تاریخی تمسک بسته شده در رابطه با حاکمیت بر اکثریت مناطق دریای چین جنوبی بود، به نفع دولت فیلیپین صادر شد. این در حالی بود که دولت چین نه تنها حاضر به شرکت در رسیدگی داوری در پرونده فوق‌الذکر نشده بود بلکه از پذیرش الزامات مندرج در رأی مطروحه نیز خودداری می‌نمود. موضع دولت چین مبتنی بر عدم حضور در رسیدگی به پرونده در محکمه داوری نیز مبتنی بر اعتقاد دولت مزبور بر عدم صلاحیت دیوان دائمی داوری در قضیه رخ داده می‌بود. در این پژوهش فرض بر این است که باتوجه به مواضع اتخاذ شده، تنش‌های راجع به حاکمیت بر منابع و آب‌های مزبور بین دو کشور رو به افزایش نهاد.

واژگان کلیدی: دریای چین جنوبی، دیوان دائمی داوری، حقوق دریاها، کنوانسیون ۱۹۸۲

^۱ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم interpret3@gmail.com

مقدمه

منازعه کشورهای چین و فیلیپین راجع به دریای چین جنوبی که منتج به صدور رای توسط دیوان داوری بین‌المللی گردید اصولاً از آنجایی نشأت گرفته بود که در سال ۲۰۱۳ پس از ورود نیروی دریایی چین به اسکاربروگ^۱ (ماسینلوک) جهت بدست گرفت کنترل در ناحیه دریایی و سواحلی که از حیث منابع طبیعی و اقتصادی بسیار غنی به شمار می‌آمد، جمهوری فیلیپین طرح دادخواست خود را به سبب این اقدام دولت چین به دیوان داوری بین‌المللی تسلیم نموده بود. این در حالی است که بحث راجع به مناطق دریایی فوق‌الذکر و بویژه چین جنوبی موردی بود که مسبقاً به سابقه میان دولت‌های فوق و البته دیگر دولت‌ها از جمله برونئی، ویتنام و مالزی می‌بود. اهمیت ژئواستراتژیکی و اقتصادی آب‌ها و سواحل مطروحه به حدی بود که دولت فیلیپین نهایتاً به ارجاع دعوی جهت رسیدگی و حل و فصل به مراجع حقوقی و قضایی بین‌المللی شد. به همین سبب، دولت مزبور استناد به مواد مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها مقرر در سال ۱۹۸۲ و بویژه آن دست‌مقرراتی که ناظر بر حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات می‌شد دادخواست خود را به دیوان مزبور ارائه نمود تا بدین ترتیب، به منازعه صلاحیت حاکمیتی راجع به قلمروی دریایی میان دو کشور خاتمه داده شود و یا حداقل حقوق و تکالیف راجع به آن مسجل شود. البته ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که امتناع دولت چین از پذیرش رای دیوان دائمی داوری و مقاومت در برابر اجرای آنکه همچنان ادامه دارد سبب شده تا مناقشه مزبور همچنان پابرجا باشد و دولت‌ها در پی تمسک به راهکارهای دیگر سیاسی برای اجرایی نمودن رای دیوان در این رابطه نمایند.

۸۶

طرح دادخواست فیلیپین در دیوان دریاها و دیوان دائمی داوری

دیوان دائمی داوری^۳ آرگانی بین‌الدولی است که به سال ۱۸۹۹ در لاهه هلند آغاز بکار نمود. یکی از مهمترین مقاصدی که بواسطه آن دیوان مزبور شکل گرفت عبارت بود از تسهیل داوری و البته، دیگر روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی میان دولت‌ها، نهادهای حاکمیتی، سازمان‌های بین‌الدولی و نهادهای وابسته به بخش خصوصی؛ امروزه مستنبط از اطلاعات دریافتی از دیوان مزبور، علی‌الظاهر از آن به مثابه نهاد داوری مدرن و متنوعی یاد می‌شود که در حد وسط حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل خصوصی به فعالیت‌های خود استمرار می‌بخشد (PCA(C), 2016). در همین راستا می‌توان افزود که دیوان مزبور علاوه بر مبدل شدن به مرجعی جهت حل و فصل منازعات دولت‌ها راجع به تحدید حدود و دعاوی سرزمینی،

¹ Scarborough² UNCLOS³ Permanent Court of Arbitration

معاهداتی و حقوق بشر به صدور رای راجع به قضایای حوزه سرمایه‌گذاری و تجارت منبث از معاهدات دوجانبه و چندجانبه نیز می‌پردازد و در حوزه‌های مطروحه نیز دارای صلاحیت است. لذا دیوان دائمی داوری در قضایایی که به او ارجاع می‌شود داورانی بکار می‌گیرد تا به حل و فصل اختلافات بین‌المللی در حوزه صلاحیتی خویش همت گمارد. شایان ذکر است که امروزه دیوان فوق‌الذکر مرکز پژوهشی و محلی برای طرح مباحث حقوقی به شمار می‌آید (Ibid).

در تاریخ ۲۲ ژانویه سال ۲۰۱۳ دولت فیلیپین با استناد به مقررات مندرج در بخش پانزده کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل متحد که در ضمیمه هفتم آن نحوه وصول دعاوی بین‌المللی را در این رابطه مشخص می‌نماید و در راستای عمل به مقررہ "ورود به رسیدگی داوری از طریق اطلاع‌رسانی به دیگر طرف یا طرفین دعوی"، مبادرت به اطلاع‌رسانی برای اقامه دعوی و رسیدگی به اتهامات وارده به دولت چین در خصوص دریای چین جنوبی نمود. در همین راستا و جهت حل و فصل مسألت‌آمیز اختلافات احتمالی میان طرفین متعاقد، کنوانسیون حقوق دریاهای روش‌هایی همچون مذاکرات و سازش را به مثابه روش‌های سیاسی، و ارجاع پرونده به دادگاه‌های صالح بین‌المللی عبارت از دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای، که مبتنی بر اصول مندرج در کنوانسیون مزبور شکل گرفته بود، دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان داوری و یا دیوان داوری اختصاصی را به مثابه روش‌های قضایی رسیدگی به پرونده‌های دعاوی را پیشنهاد می‌نماید. از آنجائیکه کنوانسیون دریاهای ۸۷ روش‌های فوق را به مثابه روش‌های پیشنهادی خود به طرفین دعوی اشعار داشته است و هیچ یک را بر دیگری ارجح نمی‌داند این تلقی شکل می‌گرفت که دولت فیلیپین از سویی، دیگر خواهان حل و فصل اختلاف خود از طریق مذاکره و سازش نبود و عزم راسخ جهت ارجاع پرونده به مراجع قضایی بین‌المللی داشت و از سوی دیگر، رغبتی به ارجاع پرونده به ارگان رسمی قضایی سازمان ملل متحد یعنی دیوان بین‌المللی دادگستری نداشت چراکه احتمال آن را با محاسبات خود متعارض می‌دانست و یا اینکه این احتمال را می‌داده است که دولت چین از پذیرش رسیدگی دیوان سر باز زند. علی‌کل حال، دولت فیلیپین ضمن اراده بر حل و فصل موضوع مطروحه دادخواست خود را تسلیم دیوان دائمی داوری بین‌المللی نمود و رسماً موضع خود را علیه دولت چین راجع به دریای چین جنوبی اشعار داشت. در تاریخ ۲۱ ژوئن سال ۲۰۱۳ میلادی دیوان بین‌المللی منطبق با ضمیمه هفتم کنوانسیون حقوق دریاهای رسماً رسیدگی به پرونده واصل شده از دولت فیلیپین را در دستورکار خود قرار داد و بر این مبنا مستقر شد. در همین راستا، فیلیپین مستنبت از بند ۲ ماده ۳ ضمیمه هفتم کنوانسیون، از قاضی رودیگر وولفروم^۱ به مثابه قاضی اختصاصی پرونده مطروحه در دیوان نام برد. از آنجائیکه دولت چین هیچ داور اختصاصی به دیوان پیشنهاد نداد نهایت الامر، رئیس دیوان

¹ Rudiger Wolfrom

بین‌المللی حقوق دریاها مبتنی بر بند ۳ ماده ۳ و بند ۴ ماده ۳ ضمیمه هفتم کنوانسیون مزبور، از قاضی استاینسلاو پاولاک^۱ تبعه کشور لهستان برای رسیدگی به این پرونده از سوی چین نام برد. در همین ارتباط و از آنجائیکه رسیدگی به این پرونده در دیوان مستلزم انتصاب دیگر داوران نیز می‌بود لذا ریاست دیوان حقوق دریاها قضات دیگر را بدین ترتیب نصب نمود: آقایان ژان پیر کات^۲ از فرانسه، پروفیسور آلفرد اچ ای سونس^۳ از هلند و قاضی توماس ای منساح^۴ از غنا.

از آنجائیکه دولت چین از ابتدای دعوی عدم تمایل خود را برای استماع و پذیرش حکم دیوان حقوق دریاها اعلام نموده بود و در چنین شرایطی، مستنبط از مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ کنوانسیون که هر دو دولت عضو آن بودند در صورت عدم توفیق طرفین جهت ارجاع دعاوی به دیوان دریاها جهت گزینش یکی از روش‌های مسالمت-آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی در حوزه تفسیر یا اجرای معاهدات، اعم از سازش یا مذاکره، به درخواست هر یک از طرفین متعاقد پرونده را می‌شد در اختیار دیگر مراجع قضایی ذیصلاح بین‌المللی قرار داد که بدین ترتیب بتوان شاهد حل و فصل اختلاف رخ داده میان دولت‌های فوق‌الذکر بود. لذا دولت فیلیپین در همین راستا تصمیم گرفت پرونده را به دیوان دائمی داوری ارجاع دهد و از طریق آن دعوی خود را رسیدگی نماید. بند ۱ ماده ۲۹۶ کنوانسیون در همین رابطه اشعار می‌دارد که هر تصمیمی که توسط دیوان‌ها یا مراجع حل و فصل اختلافات بین‌المللی اتخاذ شود "قطعی خواهد بود و طرفین دعوی بایست ملتزم به اجرای آن باشند"^۵ و از سوی دیگر، ماده ۱۱ ضمیمه هفتم نیز از "قطعی و غیرقابل تجدیدنظر" بودن آرا مراجع قضایی در این راستا سخن گفته است. از مقرره‌های فوق‌الذکر استنباط می‌شود که تصمیم مراجع قضایی بین‌المللی در رابطه با حل و فصل منازعات میان دولت‌ها از حیث قانونی اصولاً جنبه الزام‌آور و قطعی دارد و عدول از آنها میسر نیست. علیرغم این، نکته مهم این است که دیوان مزبور با چه سازوکاری بنا بوده که دولت چین را وادار به عمل به رای نماید؛ یعنی چه سازوکاری بایست اتخاذ می‌شده تا رای صادره توسط دیوان دائمی داوری توسط طرفین مراعات شود. علیرغم این، بایست اذعان داشت که مستفاد از ماده ۹ همان ضمیمه هفتم کنوانسیون حقوق دریاها عدم مشارکت یا حضور چین در رسیدگی دیوان دائمی داوری مانعی برای فرایند

^۱ Stainslaw Pawlak

^۲ Jean Pierre Cot

^۳ Alfred H.A. Soons

^۴ Thomas A- Mensah

^۵ کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها- ۱۹۸۲

مزبور قلمداد نمی‌شده است و دیوان باتوجه به احراز صلاحیت و حضور دولت فیلیپین در رسیدگی به پرونده، روند بررسی خود را استمرار ببخشد و نتیجتاً به تصمیم نهایی نائل بیاید.^۱

مستندات دولت فیلیپین در قضیه مزبور و واکنش دولت چین به مدعیات مطروحه

در ادامه اصرار دولت فیلیپین بر حل و فصل منازعه از طرق حقوقی، دادخواست دولت مزبور در سال ۲۰۱۳ به دیوان داوری بین‌المللی لاهه ارسال شد که ۴ محور اصلی را در بر می‌گرفت (PCA Cases(A),2013: 1-2). نخست اینکه دولت فیلیپین از دیوان بین‌المللی داوری درخواست نموده بود که مستفاد از مبانی حقوق دریاهای به اختلافات حادث شده میان طرفین راجع به دریای چین جنوبی خاتمه دهد؛ این درخواست از آنجایی مطرح می‌شد که طبق سنوات گذشته دولت چین با استناد به شواهد تاریخی آن منطقه را از آن خود می‌دانست حال آنکه دولت فیلیپین درصدد استناد به منابع حقوق دریاهای در این رابطه و حل و فصل منازعه می‌بود. در همین راستا، دولت فیلیپین طی بیانیه‌ای، مطالبه مناطق دریایی توسط دولت چین را فاقد وجه و اثر حقوقی قلمداد می‌نمود.

دومین محوری که در دادخواست دولت فیلیپین طرح شده بود عبارت بود از نقش دیوان در حل و فصل منازعه میان دولت‌های چین و فیلیپین راجع به اسکاربروگ و بخشی از جزایر اسپراتلی که توسط هر دو دولت مورد مطالبه قرار گرفته بودند. دولت فیلیپین مدعی بود که مستنبط از کنوانسیون حقوق دریاهای، دولت چین هیچ حقی نسبت به اعمال حاکمیت دریایی و سرزمینی روی منابع مطروحه ندارد چراکه آنها نه در منطقه انحصاری اقتصادی چین و نه فلات قاره آن کشور واقع شده است.

سومین محور طرح شده در دادخواست کشور فیلیپین عبارت بود از درخواست این کشور از دیوان جهت حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها به سبب اقدامات دولت چین در دریای چین جنوبی؛ دولت فیلیپین مدعی بود که مفاد مندرج در کنوانسیون حقوق دریاهای در فرازهای ذیل‌الذکر توسط دولت چین نقض شده‌اند: - مداخله و ایجاد اختلال در اجرای حقوق دولت فیلیپین به موجب کنوانسیون من جمله: ماهیگیری، استخراج نفت، دریانوردی و بنای جزایر مصنوعی و تاسیسات؛

^۱ شایان ذکر است که ماده مزبور اشعار می‌دارد: "هنگامی که یکی از طرفین دعوی در برابر دیوان حاضر نشود یا مبادرت به دفاع از خود در قضیه مطروحه نرزد، طرف دیگر دعوی می‌تواند از دیوان درخواست کند تا اقدامات‌اش را دنبال نموده و نهایت الامر، رای خود را صادر نماید. غیبت یا امتناع طرفی از دعوی در رسیدگی را نمی‌توان به مثابه مانعی برای ادامه فرایند مزبور قلمداد نمود. دیوان پیش از مبادرت به صدور رای ملزم است ضمن احراز صلاحیت خود برای رسیدگی به دعوی مرجوعه، مبانی مدعیات خواهان را هم از حیث وقایع و هم از جنبه حقوقی مورد ارزیابی قرار دهد." - کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل متحد.

- ناتوانی در حفاظت و نگهداری محیط زیست دریایی بواسطه حمایت مصرح از ماهیگیران چینی در محیط- های تحت حفاظت و استفاده از ابزارهای آسیب زنده ماهیگیری و در نهایت، وارد نمودن صدمه به اکوسیستم منطقه؛

- ساخت جزایر مصنوعی و توسعه در جزایر اسپارتلی که موجبات صدمه به اکوسیستم و محیط زیست آن محدوده را فراهم آورده است.

و نهایتاً، چهارمین محور مدنظر قرار گرفته در دادخواست دولت فیلیپین عبارت بود از درخواست این دولت از دیوان جهت رسیدگی به قصور دولت چین در ایجاد تنش میان طرفین به سبب محدود نمودن دسترسی دریانوردان فیلیپینی به آب‌های توماس شول^۱ و همچنین، ساخت جزایر مصنوعی.

این در حالی است که در تاریخ ۱۹ فوریه همان سال دولت چین ضمن واکنش به اقدامات صورت گرفته، از پذیرش ارجاع پرونده به مراجع قضایی و حقوقی بین‌المللی امتناع نمود و مصرانه مخالفت خود را اشعار داشت (Ibid). لذا دولت چین در ادامه امتناع خود از ورود به مسئله، در تاریخ ۱ آگوست ۲۰۱۳ با ارسال بیانیه‌ای به دیوان داوری بین‌المللی عدم پذیرش ارجاع پرونده به دیوان را صراحتاً اعلام نمود و مضاف بر این، اشعار داشت که از حضور در جلسات رسیدگی پرونده و بالطبع، پذیرش حکم احتمالی صادره توسط آن دیوان خودداری خواهد نمود (Ibid). علیرغم کش‌وقوس‌های ایجاد شده بواسطه رویکرد دولت چین به پرونده مطروحه، دیوان داوری بین‌المللی پس از گذشت مدت زمانی و اطلاع از موضع دولت مزبور در اینباره، نهایتاً- الامر در تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۱۵ طی اعلامیه‌ای صلاحیت خود برای رسیدگی به پرونده مزبور را رسماً محرز دانست و آن را ابلاغ نمود. دیوان پس از احراز صلاحیت خود برای رسیدگی به پرونده فوق مستنبط از کنوانسیون حقوق دریاها نهایتاً پس از استماع ادعاهای خواهان یعنی دولت فیلیپین رای خود را به نفع دولت مزبور صادر نمود. در رای دیوان داوری بین‌المللی دولت فیلیپین محق تشخیص داده شد و ضمن مردود دانستن اظهارات و مستندات تاریخی دولت چین، مطالبه آن دولت جهت تنفیذ حاکمیت‌اش روی دریای جنوب شرقی آسیا مبتنی بر "خط ۹ نقطه‌ای" بلاوجه تشخیص داده شد.

اصولاً احراز صلاحیت جهت حاکمیت بر منابع طبیعی مناطق دریایی تحت مناقشه دولت چین و دیگر دولت‌های جنوب شرقی آسیا را می‌توان حائز اهمیت بسیاری دانست. دریای چین نه تنها دارای منابع غنی طبیعی است بلکه قریب به یک سوم تجارت جهانی از طریق آب‌های مزبور حمل و نقل می‌شوند و از این‌رو آب راه حیاتی برای کشورها به شمار می‌آید. از سوی دیگر، حاکمیت بر این آب‌ها اصولاً از حیث امنیتی نیز بسیار مطلوب دولت چین می‌بود. لذا در طول سال‌های اخیر مشاهده شده است که تحرکات نظامی جهت بدست گرفتن کنترل روی آب‌های مزبور بیش از پیش شده و کشورها همچنان به دنبال توسعه سهم خود از

¹ Thomas Shoal

اعمال حاکمیت بر آب‌های مذکور هستند؛ هرچند که اصولاً رأی دیوان داوری بین‌المللی مورد وفق دولت چین واقع نشد (Carrillo, 2016: 2).

اصولاً فیلیپین ضمن تلاش برای اثبات مدعیات خود در دیوان داوری در پی این بود که دیوان بواسطه رأیی که صادر می‌نماید ۳ هدف دولت مزبور احصا شود. نخست اینکه دیوان به صورت مصرح اعلام نماید که تکالیف و حقوق دولت‌های درگیر در قضیه راجع به آب‌های مطروحه، دریانوردی و قسمت‌های دریای چین جنوبی مبتنی بر کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل متحد چه هستند و علاوه بر این، دیوان صراحتاً تمسک دولت چین به وقایع تاریخی را مغایر با مفاد کنوانسیون حقوق دریاهای بدانند و لذا آنها را مردود و بی‌اعتبار اعلام نماید (PCA Cases(B), 2015).

دومین هدف دولت فیلیپین در این راستا عبارت بود از اینکه دیوان برای دولت‌های چین و فیلیپین به صورت قانونی تبیین نماید که محل‌های مورد مناقشه از حیث قانونی جزیره، صخره و یا پیش‌روی‌های جزر و مد دریایی هستند؛ همچنین، دولت فیلیپین از دیوان درخواست نمود تا حقوق مناطق دریایی که به موجب کنوانسیون حقوق دریاهای ناظر بر نواحی شن‌های اسکاربروگ و جزایر اسپراتلی بودند را تعیین نماید (Ibid).

در همین راستا می‌توان ادعان داشت که تعریف دیوان از جزایر و تحدید حدود مناطق فوق‌الذکر بسیار حائز اهمیت می‌بود چراکه اصولاً مبتنی بر همان تعریف بود که دولت‌های طرف دعوی حقوق خود بر نواحی مزبور ۹۱ را می‌شناختند و علی‌الاصول بر مبنای آن حقوق مبادرت به اعمال حقوق خود می‌نمودند. به دیگر سخن، بطور مثال، اگر نواحی دریایی فوق‌الطلاق جزیره داشتند این مفهوم متبادر می‌شد که ناحیه انحصاری اقتصادی یا حق استفاده از فلات قاره یک کشور تا ۲۰۰ مایل دریایی گسترش می‌یافت. چنانچه اطلاق جزیره به نواحی دریایی فوق نمی‌شد و از سوی دیگر، نواحی مزبور صخره شناخته می‌شدند لذا از حیث حقوقی گستره محدوده هر کشور ۱۲ مایل دریایی شناخته می‌شد. این در حالی است که اگر محل دقیق مورد مناقشه پیش‌روی‌های جزر و مد دریایی یا مشابه آن باشد، اصولاً حقوقی برای آن مترتب نخواهد بود و نهایت الامر به مثابه آب‌های خنثی و بی‌طرف شناخته می‌شدند. در همین مورد، دولت فیلیپین مشخصاً از محدوده انباشت شن اسکاربروگ و جزایر اسپراتلی صحبت به میان آورد و از دیوان تقاضا نمود تا به این محدوده‌ها نیز از حیث حقوقی پرداخته شود. سومین هدف دولت فیلیپین از ارائه درخواست به دیوان دائمی داوری مبتنی بود بر اینکه دیوان مشخص نماید نظر به مداخلات دولت چین در حقوق و آزادی‌های دولت فیلیپین در مناطق فوق‌الذکر و همچنین، ایراد صدمه‌های زیست محیطی منبث از ساخت‌وسازها و اقدام به ماهیگیری چینی‌ها در محدوده مورد مناقشه، آیا دولت چین کنوانسیون حقوق دریاهای را نقض نموده بود یا خیر؟ (Ibid).

تمامی فرایند رسیدگی به دادخواست دولت فیلیپین در این رابطه بنحوی دنبال می‌شد که از ابتدا دولت چین مخالفت مصرح خود را با استماع و پذیرش رای احتمالی صادره توسط مرجع قضایی داوری بین‌المللی اشعار داشته بود؛ امری که به نظر می‌توانست موجبات پیچیدگی موضوع را فراهم نموده و حتی به تنش بروز یافته میان دولت‌های درگیر منازعه دامن زند. بیان این نکته نیز اهمیت دارد که دولت چین البته در آن ایام در تلاش بود بنحوی از انحا موضع خود را راجع به رسیدگی به پرونده مزبور بیان دارد؛ یعنی اساسا دولت چین پرونده را مسکوت نگذاشت و از طرق مختلف بویژه صدور بیانه و اعلامیه‌های عمومی به دیوان و حتی دولت فیلیپین واکنش خود را اشعار می‌نمود (PCA Cases(A), Ibid). در ادامه، مستنبط از "سند موضع دولت جمهوری خلق چین در مورد صلاحیت بر دریای چین: ارجاع پرونده توسط دولت فیلیپین به دیوان دائمی داوری" که در دسامبر ۲۰۱۴ میلادی منتشر شده بود، دولت چین استدلال‌های خود را برای اعتقاد به فقدان صلاحیت دیوان مذکور در آن رابطه اشعار داشت.

در وهله نخست، دولت چین معتقد بود که یکی از مبانی داوری، حاکمیت سرزمینی بر نواحی دریایی مطروحه بوده و این موضوعی نیست که در زمره امور مربوط به تفسیر یا اعمال کنوانسیون دریاها قلمداد شود (Ibid). شایان ذکر است که از آنجائیکه موارد مربوط به منازعات سرزمینی مشمول کنوانسیون نمی‌شوند، دولت فیلیپین اعلام نموده بود که راغب نیست دیوان در رابطه با آن و یا حدود و ثغور مرزهای دریایی حکم دهد؛ استدلال‌های دولت مزبور هم نشان می‌داد که در پی حل اختلاف راجع به تفسیر و اعمال کنوانسیون و حقوق مترتب بر آن می‌بود. ثانیاً، دولت چین اشاره داشت که دولت فیلیپین توافق کرده بود که اختلافات از طریق مذاکره و تعامل مبتنی بر سندهای دوجانبه بویژه "اعلامیه رفتار طرفین در دریای چین" حل و فصل شوند (Ibid).

در این راستا، از آن جائیکه دولت فیلیپین فرایند رسیدگی داوری را بطور یکجانبه و راسا آغاز نموده بود، دولت چین اشعار می‌داشت که فیلیپین با این اقدام وفق حقوق بین‌الملل اقدام ننموده است و تعهدات بین‌المللی خود را نقض کرده است. نهایت الامر، دولت چین مدعی شد که حتی اگر ارجاع پرونده به داوری مرتبط با تفسیر و اعمال کنوانسیون باشد هم بالاخره بخشی از تحدید حدود دریایی میان دو کشور به شمار می‌رود که در این صورت پر واضح است که در ذیل شمول کنوانسیون قلمداد نمی‌شود (PCA Cases(B), Ibid). علیرغم کش‌وقوس‌های برشمرده شده و از سوی دیگر، تلاش دولت چین برای اثبات فاقد صلاحیت بودن دیوان دائمی داوری در پرونده مزبور و تلاش برای تفهیم دولت فیلیپین به عدول از توافقات دوجانبه میان دو کشور در رابطه با دریای چین جنوبی دیوان دائمی داوری در تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۱۵ صلاحیت خود را جهت رسیدگی به پرونده ارجاع شده توسط دولت فیلیپین احراز شده قلمداد نمود و عملاً وارد رسیدگی به قضیه

رخ داده میان دولت‌های فوق‌الذکر گردید. لذا در ادامه به روند رسیدگی دیوان و همچنین، رای صادره توسط آن مرجع داوری پرداخته خواهد شد تا زوایا با وضوح بیشتری تبیین شوند.

دیوان دائمی داوری از دریای چین جنوبی به مثابه دریای نیمه بسته‌ای یاد می‌کند که در اقیانوس آرام غربی واقع شده است و مساحت تقریبی ۳,۵ میلیون کیلومتر مربع دارد و منتهی به ۷ کشور چین، فیلیپین، ویتنام، مالزی، برونئی، سنگاپور و اندونزی می‌شود.

اصولا منطقه مورد مطالبه چین محدود به ناحیه‌ای است موسوم به "امتداد (خط) ۹ نقطه‌ای" که به سال ۱۹۴۷ پس از سقوط ژاپن در جنگ جهانی دوم تبیین شده است و تقریباً ۹۰ درصد دریای چین جنوبی را شامل می‌شود. مضاف بر این، دولت چین معتقد بود که این حق متعلق به بیش از ۲۰۰۰ سال پیش بوده چراکه از آن اعصار بعنوان متعلقه به سرزمین چین شناخته می‌شده است. این در حالی است که دولت تایوان نیز اظهارات مشابه با دولت چین ارائه می‌داد. مطالبه دولت فیلیپین جزایر اسپراتلی و منطقه شن‌های اسکاربروگ بود. دولت ویتنام ادعای صلاحیت بر جزایر اسپراتلی و علاوه بر آن، پراسل را داشت و مدعی بود که از قرن ۱۷ تحت حاکمیت کشور او بوده است. مالزی مدعی بود که جزایر اسپراتلی متعلق به اوست و مبنای مدعیات خود را نیز قرار گرفتن آنها درون ناحیه انحصاری اقتصادی خود قلمداد می‌نمود. برونئی نیز ادعای مشابه داشت. سنگاپور هم به زعم خود جزایر کوچکی را مطالبه می‌نمود که واقع شده در تنگه جوهور ۹۳ و تنگه سنگاپور می‌بودند. تصویر صفحه متعاقب که استخراج شده از پایگاه اینترنتی گروه بحران‌های بین-المللی است ضمن درج مناطق مورد مناقشه، کشورهایی را که بنحوی از آنها مطالبه‌گر از منابع یا مرز دریایی دریای چین جنوبی هستند به نمایش می‌گذارد.



¹ International Crisis Group: <http://goo.gl/QrWNhH>

احراز صلاحیت دیوان دائمی داوری برای رسیدگی به پرونده

احراز صلاحیت دیوان دائمی داوری در قضیه دریای چین جنوبی مستلزم استناد به اصول و فروض مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها و منابعی بود که اهلیت رسیدگی به پرونده را به آن مرجع بین‌المللی اعطا نماید. در همین راستا، دیوان ابتدا با استناد به مواد ۲۸۲ و ۲۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها درصدد احراز صلاحیت خود برای رسیدگی به پرونده برآمد و با اشاره به وجود توافق میان دولت‌های چین و فیلیپین منعقد در سال ۲۰۰۲ در خلال اجلاس آسه آن، وجود مقرر حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را در سند مزبور مورد واکاوی و بررسی قرار داد. این در حالی بود که باتوجه به فقدان مقررهای مصرح راجع به ارجاع پرونده به دیوان‌های بین‌المللی در صورت عدم توفیق در حل و فصل اختلاف، تشکیک راجع به محرز بودن صلاحیت آن مرجع داوری افزایش یافت.

در ادامه این روند و به سبب حصول اطمینان از صلاحیت رسیدگی به پرونده به دلیل ارجاع یکجانبه از سوی دولت فیلیپین به دیوان داوری، بررسی‌های بیشتر در دستور کار قرار گرفت. دیوان با تمسک به پرونده ارجاع شده در قضیه ترینیداد و توباگو موضع خود را اینگونه اشعار داشت: "استنباط از قسمت ۱ بخش ۱۵ کنوانسیون اینگونه است که منظور از یافتن روش حل و فصل مسالمت‌آمیز، مذاکره است؛ از آنجائیکه در قضیه ترینیداد و توباگو و باربادوس طرفین مناقشه به توفیقی در حل و فصل منازعات از طریق انعقاد مذاکره دست پیدا نکردند، به موجب مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ یکی از طرفین قادر بود به صورت یکجانبه پرونده را به دیوان داوری ارجاع دهد (PCA Cases(C), Ibid). بر همین اساس و از آنجائیکه برای دیوان مسجل شده بود که دولت فیلیپین در راستای عمل به تعهدات قراردادی به موجب کنوانسیون حقوق دریاها و همچنین، تعهدات عرفی خود تمام تلاشش را برای نیل به نتیجه مطلوب در مذاکرات بکار بسته بود یافتن مقرر مصرح حتی در توافقات دوجانبه راجع به ارجاع یکجانبه پرونده به دیوان داوری را فاقد ضرورت دانست و اکتفا به مقرره‌های مزبور کنوانسیون دریاها نمود. نهایت الامر، دیوان دائمی داوری پس از بررسی به تفصیل رویه قضایی، عرف و معاهدات بین‌المللی در این راستا، اشعار داشت که مقررات مندرج در قسمت ۱ بخش ۱۵ کنوانسیون مزبور هیچ مانعی برای اعلام وصول دعوی ارجاع شده توسط فیلیپین ایجاد نمی‌نماید. علاوه بر این و مستنبط از

^۱ مواد مزبور شامل تعهدات منبعث از توافقات عام، منطقه‌ای یا دوجانبه و همچنین، تعهد به تبادل نظر فیما بین می‌شوند.
^۲ مستخرج از مواد مطروحه، ارجاع پرونده یا دعوی توسط یکی از طرفین به دیوان صالح برای رسیدگی مستنبط از مواد مندرج در کنوانسیون بلامانع است و همچنین، نحوه گزینش رسیدگی قضایی نیز در این مقرره‌ها طرح شده است.

نظر دیوان داوری، ماده ۲۸۳^۱ نیز در این رابطه هیچگونه خللی به قابل استماع بودن دعوی ارجاع شده توسط فیلیپین وارد نمی‌آورد؛ لذا دیوان پس از بررسی‌های دقیق در تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۱۵ صلاحیت خود را جهت رسیدگی به پرونده مزبور احراز شده تلقی نمود و اشعار داشت مواد مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها و توافقات دوجانبه دولت‌های چین و فیلیپین اگرچه صراحتاً از ارجاع یک‌جانبه پرونده به دیوان‌های ذیصلاح بین‌المللی سخن به میان نمی‌آورند، لیکن در تعارض با اعتقاد دیوان بر محرز بودن صلاحیت‌اش برای رسیدگی به دعوی مطروحه نیز نبودند.

رای صادره توسط دیوان دائمی داوری در قضیه مزبور

۱۲ جولای سال ۲۰۱۶ پس از بررسی قضیه مطروحه توسط دولت فیلیپین و نصب کارشناسان مستقل جهت تحلیل مباحث فنی و همچنین، تفحص راجع به وقایع تاریخی و ماسبق، نهایت‌الامر، دیوان دائمی داوری رای خود را در مبتنی بر مدعیات دولت فیلیپین صادر نمود. شایان ذکر است که نقاط عطف رای دیوان در رابطه با این پرونده عبارت بود از مبنای قانونی حقوق دریایی و حقوقی که در دریای چین جنوبی از آن بهره‌مند می‌شد، وضعیت برخی از مناطق دریایی موجود در منطقه مزبور و قانونمندی برخی از اقدامات دولت چین در دریای مزبور. لذا در هیچ کجا از رای صادره نکته‌ای ناظر بر حاکمیت دولت‌ها بر نقاط سرزمینی مورد اشاره ۹۵ واقع نشده بود؛ یعنی اصولاً دیوان در این ارتباط نظری نداده بود و صرفاً به ماهیت دعوی میان طرفین مناقشه پرداخته بود.

در رابطه با "حقوق تاریخی" و "خط ۹ نقطه‌ای" که چین مدعی بود بر مبنای آنها حاکمیت‌اش بر دریای چین جنوبی محرز بود دیوان معتقد بود که شواهدی وجود نداشت که کنترل انحصاری دولت چین بر آب‌های مطروحه و منابع موجود در آنها را اثبات کنند. به همین ترتیب، دیوان اشعار داشت که تمسک دولت چین به حقوق تاریخی و ماسبق فاقد وجاهت قانونی می‌بود چراکه دولت مزبور از یک تاریخ مشخص عضو کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل متحد شده بود و لذا مقررات کنوانسیون فی‌المنفسه ارجح بر منابع استنادی تاریخی دولت چین به شمار می‌آمد. لذا بر همین اساس، مدعیات چین راجع به منطقه موسوم به "خط ۹ نقطه‌ای" که با تمسک به تاریخ به دنبال اثبات آن بود مردود اعلام شد (PCA Award, 2016).

^۱ ماده مطروحه که در دو بند تنظیم شده است این اجازه را به طرفین می‌دهد تا در صورت بروز اختلاف راجع به تفسیر یا اجرای کنوانسیون طرفین متعاقد از طریق مذاکرات یا دیگر روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات به تبادل نظر بپردازند. مضاف بر این، طرفین تبادل نظر را پس از رسیدگی به پرونده نیز حفظ می‌نمایند صرف نظر از منتج شدن پرونده به نتیجه یا غیر از آن.

در رابطه با قانونی بودن اقدامات دولت چین در دریای چین جنوبی، شامل جابجایی صخره‌ها در پایگاه‌های نظامی با باند فرود و رادارهای در حال احداث در طول سال‌های اخیر، دیوان معتقد بود از آنجائیکه بخشی از مناطق مورد مناقشه در ناحیه انحصاری اقتصادی دولت فیلیپین واقع شده بود (چراکه اصولاً جزیره نبودند بلکه صخره بودند) دولت چین حاکمیت دولت فیلیپین را بواسطه مداخله در ماهیگیری و استخراج نفت توسط آنها نقض نموده بود و از طریق ساخت جزایر مصنوعی و جلوگیری از ماهیگیری صیادان فیلیپینی اصولاً تعهدات خود را زیر پا گذاشته بود. دیوان همچنین اشعار داشت که صیادان، اعم از اتباع فیلیپینی و چینی، از حیث تاریخی مجاز به مبادرت به ماهیگیری در منطقه اسکاربروگ بوده‌اند و این در حالی است که چین دسترسی صیادان فیلیپینی را در عمل به حقوق حقه خود محدود نموده است که قانوناً صخره بود و می‌بایست دسترسی ۱۲ مایلی دریایی را برای آن فراهم می‌نمود (Polin, 2016).

مضاف بر این، دیوان اشعار داشت که هیچ کدام از جزایر اسپراتلی قانوناً جزیره نبودند چرا که اصولاً در ذیل تعریف جزیره گنجانده نمی‌شدند؛ یعنی فاقد این ظرفیت بودند که "نیازهای جامعه انسانی مستقر را با یک حیات اقتصادی مستقل برطرف نمایند." لذا جزایر مزبور را اصولاً نمی‌شد در زمره منطقه انحصاری اقتصادی و یا فلات قاره قلمداد نمود. در رابطه با ۷ جزیره اسپراتلی که تحت اختیار دولت چین قرار گرفته بودند برای دیوان محرز شد که ۵ عدد از آنها صخره‌ای بودند در حالیکه ۲ جزیره دیگر مناطق فرورفته به هنگام اوج جزر و مد بودند و لذا حقوق دریایی خاصی بر آنها مترتب نمی‌بود (Ibid)، و از این‌رو، نمی‌شد آن را مستمسکی برای مطالبه سرزمینی قرار داد (Holmes and Philips, 2016). دیوان در ادامه رسیدگی خود راجع به موضوع فوق اشعار داشت که آب‌های مورد مطالبه در "درون ناحیه انحصاری و اقتصادی فیلیپین واقع شدند چراکه نواحی مزبور با هیچ یک از حقوق مورد مطالبه توسط دولت چین منطبق نیستند" (Ibid).

در رابطه با صدمات وارد شده به محیط زیست به جهت افزایش مطالبات اخیر چین راجع به توسعه سرزمینی و بنای جزایر مصنوعی در جزایر اسپراتلی، دیوان اشعار داشت که چین خسارات سهمگینی به صخره‌های مرجانی وارد نموده و توأم با این اقدام، تعهدات خود را در رابطه با حفظ و پیشگیری از صدمه رساندن به اکوسیستم نقض نموده و موجبات بروز خطر را برای موجودات دریایی منطقه فراهم آورده است. مضاف بر این، برای دیوان مسجل شد که مقامات مسئول چینی واقف بودند که صیادان چینی مبادرت به انباشت و نگهداری لاک‌پشت‌های دریایی، مرجان و صدف‌های عظیم‌الجسه در خطر انقراض می‌نمودند؛ امری که موجبات ایراد خسارت به صخره‌های مرجانی را فراهم آورده بود و علیرغم این، مراجع ذیصلاح دولت مزبور ناتوان از ممانعت به عمل آوردن از اقدامات فوق بود (PCA(C), 2016).

نهایت الامر و در راستای رسیدگی به دیگر مطالبات، دیوان دائمی داوری اشعار داشت که در رابطه با بررسی سوانح رخ داده در جریان بارگیری دریایی چین و فیلیپین در سواحل شنی آیونگین^۱ فاقد صلاحیت برای رسیدگی بود چراکه اصولاً مورد مطروحه فعالیت‌های نظامی مطرح شده بود. بنابراین، در مورد بازسازی و ساخت جزایر مصنوعی دیوان معتقد بود که تاسیسات و زیربنای دولت چین در مناطق مختلف جزایر اسپراتلی ایجاد کننده "فعالیت‌های نظامی" نبودند و در نتیجه، دیوان فاقد صلاحیت برای رسیدگی به این قبیل مدعیات دولت فیلیپین می‌بود.

علیرغم این، دیوان اذعان داشت که مطالبات اخیر دولت چین و ساخت جزایر مصنوعی با تعهدات دولت در طول رسیدگی به پرونده برای حل و فصل اختلاف در تعارض است بدین سبب که اقدامات دولت مزبور در این راستا مسبب ایراد صدمات جبران‌ناپذیر به محیط زیست دریایی شده و علاوه بر این، جزایر مصنوعی بسیار عظیمی در ناحیه انحصاری اقتصادی تحت حاکمیت دولت فیلیپین ساخته شده و در نتیجه شواهد طبیعی موجود در نواحی دریایی محل اختلاف با این اقدامات از بین رفته بود (Permanent Court of Arbitration, 2016).

مواضع اتخاذ شده در برابر رای دیوان دائمی داوری

۹۷

اصولاً دریای چین جنوبی واقع شده در جنوب شرق آسیا را می‌توان منطقه‌ای قلمداد کرد که از اهمیت بسزایی برای دولت‌ها برخوردار است و بدین‌سان، کشورهای منطقه در پی بهره‌مندی از منابعی هستند که از حیث سرزمینی و حقوقی متعلق به ملت‌های آنها است. تصور غالب این است که منطقه مزبور مملو از منابع طبیعی نفت و گاز است که اهمیت‌اش را می‌افزاید. علاوه بر این، منطقه‌ای که دریای مذکور در آن واقع شده غنی از صدف‌های مرجانی و شیلات است. لذا دسترسی به منابع مطروحه برای کشورهای منطقه جهت استخراج آنها به امری ضروری مبدل می‌شود و همین موضوع موجبات بروز تنش و اختلافات سیاسی و حقوقی میان دولت‌های منطقه را فراهم می‌آورد. اهمیت دریای چین جنوبی برای دولت چین صرفاً از حیث معبر خروجی به سمت اقیانوس آرام و نقطه استراتژیک برای دفاع سرزمینی خلاصه نمی‌شد بلکه یکی از مهمترین کاربردهای آن برای دولت مزبور معبر دریایی عبور و مرور صدها کشتی تجاری در سال می‌بود؛ موضوعی که موجبات دفاع علی‌الدوام چین از مواضع خود در برابر اختلافات با دیگر حاکمیت‌های منطقه را فراهم می‌آورد. در همین رابطه می‌توان اذعان داشت که قریب به یک سوم تجارت جهانی و واردات نفت خام

^۱ Ayungin (Second Thomas Shoal)

چین از آب‌های مذکور حمل و نقل می‌شود (www.economist.com). ارزیابی برخی مراجع اخباری مبتنی بر این است که حجم تبادلاتی که از معبر فوق‌الذکر جابجا می‌شود معادل است با ۵,۳ میلیارد دلار در سال که حکایت از اهمیت بالای اقتصادی دریای چین جنوبی دارد (Fuchs, 2016). علاوه بر این، اکونومیست^۱ اشاره دارد که منطقه مزبور اصولاً مکانی است برای تقابل دو دیدگاه رایج موجود اما متضاد با یکدیگر در نظم جهانی؛ یکی نگرش چین مبتنی بر "حقوق تاریخی" و دیگری دیدگاه "ایالات متحده آمریکا" (www.economist.com).

علی‌کل حال، اگر بنا باشد به صورت کلی اشاره‌ای مجدد به رای دیوان دائمی داوری در قضیه رخ داده میان دولت‌های فیلیپین و چین در مورد دریای چین جنوبی بیندازیم بایست اذعان داشت که مطالبات مطروحه در ارتباط با ناحیه موسوم به "خط ۹ نقطه‌ای" فاقد وجه قانونی هستند. این در حالی است که اگر دولت چین پایبند به رای دیوان نباشد یا حکم آن را مجرا نداند، اصولاً در مورد رسیدگی به دعوی و مدعیات او در ارتباط با دیگر دولت‌های مورد مناقشه هم توفیقی نخواهد یافت. مبتنی بر تحلیلی که روزنامه واشنگتن پست^۲ ارائه داده است، رای دیوان مطالبات چین راجع به آب‌هایی را که پایگاه‌های جزایر در حال ساخت محصور ساخته‌اند نیز شامل می‌شد؛ هرچند که در همان رای دولت چین به مثابه ناقض تعهدات خود منبعت از کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل نیز شناخته شد (Denyer and Rauhala, 2016).

مبتنی بر تحلیل منعکس شده در برخی مطبوعات بین‌المللی من جمله روزنامه واشنگتن پست، مورد مزبور را می‌توان قضیه‌ای قلمداد نمود که مبین "اراده چین برای ورود به قانون بین‌المللی جهت افزایش نفوذش" و همچنین "راجع به مدل قدرت جهانی که می‌خواهد" است (Ibid). این در حالی است که داوید ولچ^۳، مدیر امنیت جهانی مرکز مدیریت بین‌المللی فناوری کالج بالسیلی امور بین‌الملل در واترلو، اونتاریو، معتقد است که دور از ذهن است که چین "ادعا کند که تمهیدات دیوان هیچ اهمیت قانونی، سیاسی و رویه‌ای ندارند" و در ادامه می‌افزاید "واکنش چین پس از صدور رای را می‌توان تعیین کننده موضع بین‌المللی او پس از دهه‌های متمادی دانست" (Ibid). در همین راستا می‌توان اذعان داشت که تصمیمات و مواضع دولت‌های درگیر مناقشه من جمله دولت چین و حتی دولت ایالات متحده آمریکا که در منطقه مزبور دارای منافع است را می‌توان در تحولات آینده منطقه دخیل دانست.

آخرین تنش رخ داده در منطقه فوق‌الذکر به سال ۱۹۸۸ باز می‌گشت؛ زمانی که ۷۰ نفر از اتباع ویتنامی طی تقابل نیروهای ویتنام با چین در جزایر اسپراتلی جان خود را از دست دادند. از آن تاریخ به بعد، هیچ تنش

¹ The Economist

² Washington Post

³ David Welch

⁴ Centre for International Governance Innovation, Balsillie School, Waterloo, Ontario

یا مقابله قابل توجهی ثبت نشده بود؛ هر چند که امروزه این احتمال دور از ذهن به حساب نمی‌آید که مقدمات بروز تنش میان کشورهای منطقه یحتمل باشد. در حالی که دولت چین علنا عدم تمکین خود را از رای صادره توسط دیوان دائمی داوری اعلام نموده است، روزنامه اکونومیست معتقد است که دولت ایالات متحده امریکا راضی نخواهد شد که این تصمیم دولت چین بدون هزینه باقی بماند (www.economist.com).

بر مبنای تجزیه و تحلیل ارائه شده توسط نشریه مزبور، هر چند که علی‌الظاهر ایالات متحده امریکا خود را در منازعات سرزمینی دریای موسوم به دریای چین جنوبی بی‌طرف نمایان می‌کند مع‌هذا دولت مزبور علنا اعلام نموده است که "منافع ملی این کشور در حفظ آزادی کشتیرانی در دریای مزبور که محل تردد یک سوم از تجارت جهانی است محفوظ است" (Ibid). این در حالی است که تحلیلی دیگر از نشریه اکونومیست پس از تبیین این نکته که دولت فیلیپین اصولاً هم‌پیمان دولت ایالات متحده است و حمایت امریکا از آن کشور امری بدیهی است اشاره می‌دارد که ایالات متحده همچنین نگران است که دولت چین در مبارزه با قواعد نظم جهانی باشد (Ibid). که بخش اعظمی از آن پس از جنگ جهانی دوم توسط دولت ایالات متحده امریکا مستقر شده بود. ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که بلافاصله پس از صدور رای توسط دیوان دائمی داوری، دولت ایالات متحده امریکا طی اظهارنظری به "لازم‌الرغایه" بودن رای مزبور اشاره نمود و آن

را موجد آثار دانست. این در حالی است که چین نیز معتقد است دولت ایالات متحده درصدد ایجاد اختلاف ۹۹ در منطقه مزبور و نظامی کردن یک مسئله سیاسی است (Ibid). به‌زعم نشریه اکونومیست، این اختلافات از آنجایی نشات می‌گیرد که ایالات متحده و دولت‌های هم‌پیمان او در منطقه جنوب شرق آسیا بروز تنش‌ها را از سوی دولت چین می‌دانند. با همه این توصیفات، علی‌الظاهر صدور رای دیوان همچنان آثار موافق و مخالفی در مورد دریای چین جنوبی به جا نهاده است که بایست در آینده نه چندان دور شاهد تبعات دیگر آن هم بود. از یک‌سو، چین دولتی است که اخیراً هزینه‌های نظامی زیادی برای توسعه صنایع نظامی خود اختصاص می‌دهد و از سوی دیگر، ایالات متحده نیز مبادرت به افزایش حضور نظامی خود در منطقه نموده است. نشریه اکونومیست همچنین می‌افزاید که ایالات متحده امریکا نیروهای نظامی خود را به مناطق تحت مطالبه دولت چین هم اعزام نموده است؛ بنحویکه دو ناو هواپیمابر امریکایی در منطقه مزبور مستقر شده‌اند تا به‌زعم نشریه مزبور، "بنحوی دولت چین را از اتخاذ هر تدبیر تحریک کننده‌ای بر حذر داشته و مجبور به پذیرش تصمیم دیوان دائمی داوری نمایند" (Ibid).

بر اساس نظر دیگر کارشناسان در تعاقب رای صادره دیوان دائمی داوری و عدم تمکین دولت چین از رای مزبور، مقابله به مثل دولت چین در صورت هرگونه اقدام تحریک کننده دور از ذهن نیست. تحلیل مرکز

تحقیقات استراتژیک و بین‌المللی^۱ مبتنی بر این است که احتمال دولت چین و رئیس دولت فیلیپین طی مذاکرات دوجانبه به سمت تقلیل تنش‌ها پیش روند. هرچند که دولت چین اصولاً شاید مبادرت به اثبات عدم نگرانی از تلاش برای تثبیت حاکمیت خود ورزد. این اعتقاد نیز وجود دارد که فشارهای داخلی کشور چین به حدی باشد که دولت چین را ملزم به واکنش عملی و نه صرفاً گفتاری به رای صادره توسط دیوان دائمی داوری نماید (Holmes and Philips, Ibid). امری که فی‌النتیجه مبین این نکته است که اصولاً برای دولت چین مناطق مورد مطالبه بسیار حائز اهمیت بوده و دولت و ملت مزبور تحت هرشرایطی برای حفظ دستاوردهای تاریخی خود در مرزها بنابر ایستادگی در برابر حتی آرا مراجع قضایی داشتند.

نتیجه‌گیری

رای دیوان دائمی داوری پس از استماع مستندات دولت فیلیپین و بررسی شواهد موجود بایست حکم قطعی تلقی می‌شد؛ رایی که به موجب آن دولت چین ناقض تعهدات خود به موجب اصول حقوق بین‌الملل و همچنین، مواد ۲۷۹، ۲۹۶ و ۳۰۰ کنوانسیون حقوق دریاهای آمده. به موجب همان رای، دولت چین اختلاف راجع به ناحیه میشف ریف‌آدر عدم حمایت از محیط زیست دریایی را دامن زده و حقوق و تکالیف دولت‌های دیگر را نادیده گرفته بود. رای مزبور همچنین به موجب مواد ۶۰ و ۸۰ کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۰۰ دولت چین را به خاطر نقض حاکمیت دولت فیلیپین در ناحیه انحصاری و اقتصادی آن دولت ناقض تعهدات خود قلمداد نمود.

لذا مستنبط از رای صادره توسط دیوان داوری بین‌المللی بر علیه دولت چین می‌توان اذعان داشت که دولت فیلیپین اصولاً منتفع از ارجاع پرونده به مرجع داوری بین‌المللی شده بود؛ چراکه رای صادره توسط دیوان داوری به موجب کنوانسیون حقوق دریاهای، که هر دو دولت عضو آن هستند، الزام‌آور است و رعایت الزامات مندرج در آن امری قطعی خواهد بود. البته ذکر این نکته خالی از لطف نیست که کنوانسیون مزبور فاقد تعیین مکانیسم دقیق جهت پیگیری و اجرای آرا دیوان‌ها است؛ یعنی همانگونه که تاکنون نیز ادامه داشته است دولت چین حاضر به تمکین از رای دیوان داوری نشده و رویکرد مخالف خود را نسبت به موضوع همچنان حفظ نموده است. در همین راستا، آقای گراهام آلیسون^۳ استاد دانشگاه هاروارد و مدیر مرکز بنفر کالج کندی معتقد است که هیچ یک از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد در صورت تعارض رای دیوان‌های بین‌المللی راجع به حقوق دریاهای از حیث عدم سازگاری با حاکمیت ملی و منافع استراتژیک‌شان

^۱ Centre for Strategic and International Studies

^۲ Mischief Reef

^۳ Graham Allison

زیر بار اجرا و پذیرش رای‌های صادره در اینباره نرفته‌اند (www.washingtonpost.com). در این مورد خاص بویژه علی‌الظاهر انتظاری نیست که چین رای صادره دیوان را مورد پذیرش قطعی قرار دهد چراکه اصولاً نافی دستاوردهای تاریخی آن دولت است (Allison, 2016). با مرور مطالب فوق‌الذکر می‌توان اذعان داشت که مناقشه بر روی اجرای رای صادره توسط دیوان دائمی داوری توسط دولت چین همچنان پابرجا بماند؛ این در حالی است که دولت‌های دیگری که منتفع از حضور در آب‌های دریای چین هستند و متحدی برای دولت فیلیپین به شمار می‌آیند من جمله دولت ایالات متحده آمریکا همچنان در صدد مجبور نمودن دولت چین برای عمل به رای دیوان داوری برخوانند آمد؛ اقدامی که البته پیش‌بینی نوع و حجم آن نیازمند تحقیقات بیشتر خواهد بود.

فهرست منابع

- 1- Allison, Graham (2016). Of Course China, Like All Great Powers, Will Ignore and International Legal Verdict, The Diplomat, <http://TheDiplomat.com/2016/07/of-course-china-like-all-great-powers-will-ignore-an-international-legal-verdict>.
- 2- Carillo, Adriana Gonzales (2016). La Corte Permanente de Arbitraje Emite Fallo Sobre Situación en el Mar Meridional del Sudeste Asiático: Argumentos Centrales y Eventuales Implicaciones.
- 3- Denyer, Simon and Rauhala, Emily (2016). Beijing's Claims to South China Sea rejected by international tribunal, The Washington Post, 12 July of 2016: www.washingtonpost.com/world/beijing-remains-angry-defiant-and-defensive-as-key-south-china-sea-tribunal-ruling-looms.
- 4- Holmes, Oliver and Philips, Tom (2016) South China Sea Dispute: What You Need to Know about the Hague Court Ruling, www.theguardian.com/news/2016/jul/12/southchinaseadispute.
- 5- Fuchs, Michael (2016). How to End the South China Sea Crisis, Foreign Affairs, www.foreignaffairs.com/articles/china/2016-03-02/safe-harbor.
- 6- PCA Case Number 2013-2019 In the Matter of the South China Sea Arbitration between China and the Philippines.
- 7- PCA Case Number 2013-2019 In the Matter of the South China Sea Arbitration, Award on Jurisdiction and Admissibility, 29 October 2015, Permanent Court of Arbitration.
- 8- PCA Case Number 2013-2019 In the Matter of the South China Sea Arbitration, Award, Between China and the Philippines, 12 July 2016, Permanent Court of Arbitration.

- 9- Permanent Court of Arbitration (2016). Press Release, the South China Sea Arbitration, <https://assets.documentcloud.org/documents/2990864/press-relase-on-south-china-sea-decision-pdf>.
- 10- Polin, Gregory (2016). Judgment Day: The South China Sea Tribunal Issues It's Ruling, Centre for Strategic and International Studies, 12 July 2016, www.csis.org.
- 11- The Economist, "Courting Trouble", 16 July 2016: www.economist.com/news/china/21702069.
- 12- The Economist, "Why a Tribunal has ruled against China on the South China Sea", 12 July of 2016: www.economist.com/blogs/economist-explains/2016/06/economist-explains.
- 13- The Economist, The South China Sea.
- 14- www.goo.gl/QrWNhH.
- 15- www.washingtonpost.com.

